



Criminological Future Study on the Theoretical Conflict Between Liberalism and Socialism Emphasizing the Study of the Effect of Modern Dictatorial Government Behavior on Crime in the Criminal Sociology of Institutions and Organizations

Seyed Mohammad Reza Mousavifard^{1*} , Zahra Mousavi²

¹ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

² Master's Student in Media Management, Payam Noor University, West Tehran Electronics Branch, Tehran, Iran.

ABSTRACT: Background and objective: by navigating legal and political sources, we come to several facts about governments and the international system. Apart from the inherent and constant conflicts between liberalism and socialism about the foundations of criminalization, it should be recognized that the type of political systems as governments has always been a criminalization generator, but in describing the order governing the international system, it is also almost the world's passage from the unipolar system and the process of globalization towards the multipolar world of the dictator species in contrast to its traditional and modern features but with a modernized shape and style. (a kind of dictator-like order with platonic authority) is probable and definitive given the evidence. This article is a descriptive-analytical approach with a documentation and library method. in this search, we are looking for an answer to the question, given the obvious theoretical conflicts in the role of criminalization of the type of governments in the unwanted production of crimes influenced by globalization in the transition to the multipolar dictator of the dominant species, what kind of behavior is imagined for rulers? It seems that with the transition from the Liberal unipolar model to the multipolar dictator of the species approaching the new model, as a result of the theoretical conflicts between liberalism and socialism, it is not able to interpret the status quo based on the effects of globalization, platonic dictators are forced to behave rationally with their people. as a result, the need for a rational approach to criminalizing rulers of the new dictatorial states in the multipolar system will be less than its traditional type.

Review History:

Received: Dec. 01, 2023

Revised: Dec. 22, 2023

Accepted: Jan. 22, 2024

Available Online: Mar. 19, 2024

Keywords:

Governments

Liberalism

Socialism

International System

Criminalization

Dictatorship

*Corresponding author's email: mousavifard136394@gmail.com



آینده پژوهی جرم‌شناختی بر نزاع تئوریک تقابل لیبرالیسم و سوسیالیسم با تاکید بر مطالعه تأثیر رفتار دولت دیکتاتوری مدرن بر جرم در جامعه‌شناسی جنایی نهادها و سازمان‌ها

سید محمدرضا موسوی فرد^{۱*}، زهرا موسوی^۲

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور، واحد الکترونیک تهران غرب، تهران، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰
بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱
پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲
ارائه آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

کلمات کلیدی:

دولت‌ها
لیبرالیسم
سوسیالیسم
نظام بین‌الملل
جرم‌زایی
دیکتاتوری

خلاصه: با سیری در منابع حقوقی و سیاسی به یکسری حقایق در خصوص دولت‌ها و نظام بین‌الملل می‌رسیم. فارغ از تعارضات ذاتی و همیشگی بین لیبرالیسم و سوسیالیسم در خصوص مبانی جرم‌زایی باید معترف شد؛ اینکه همیشه نوع نظام‌های سیاسی قامت دولت‌ها یکسری (سیاست‌هایشان) خواسته و ناخواسته خود مولد جرم‌زایی بوده است، اما در توصیف نظم حاکم بر نظام بین‌الملل نیز تقریباً گذر جهان از نظام تک قطبی و پروسه جهانی شدن به سوی دنیای چند قطبی‌های دیکتاتور گونه در تقابل ویژگی‌های سنتی و مدرن آن اما با شکل و شمایل نوسازی شده (نوعی نظم دیکتاتور گونه با قیومیت افلاطونی) با توجه به شواهد و قرائن امری محتمل و قطعی است. این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی با روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. در این جستار در پی رسیدن به پاسخی برای این سؤال هستیم که با توجه به تعارضات آشکار تئوریک در نقش جرم‌زایی نوع حکومت‌ها در تولید ناخواسته جرائم تحت تأثیر جهانی شدن در گذار به چند قطبی دیکتاتور گونه مسلط چه نوع رفتاری برای حکمرانی‌ها متصور است؟ به نظر می‌رسد با توجه به گذار جهان از مدل تک قطبی لیبرال به چند قطبی دیکتاتور گونه با مدل جدید نزدیک می‌شویم، در نتیجه تعارضات تئوریک بین لیبرالیسم و سوسیالیسم توانایی تفسیر وضع موجود را ندارد براساس تأثیرات جهانی شدن دیکتاتورهای افلاطونی مجبورند رفتار عقلایی با مردمان خود داشته باشند. در نتیجه ضرورت برخورد عقلایی حاکمان جرم‌زایی دولت‌های دیکتاتوری نوین در نظام چند قطبی کمتر از نوع سنتی آن خواهد بود.

۱- مقدمه

اصلی در تولید جرم است. مثلاً ابعاد جرم‌زایی سیاست اتخاذ شده توسط فلان دولت در بخش مسکن از دو منظر بوم‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. از بعد بوم‌شناختی، این سیاست با داشتن شاخص‌های تراکم جمعیتی بالا، تفکیک و جدایی‌گزینی و دامن زدن به مهاجرت افراد و از جهت جامعه‌شناختی تعارض فرهنگی، گم‌نامی و خلاء هنجاری (آنومی) و همچنین دامن زدن به کاهش سرمایه‌های اجتماعی (از جمله احساس امنیت، اعتماد و همبستگی ساکنان)، در معرض خطر بالای جرم خیزی قرار دارد. (بابایی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۳) باسیری در منابع و مقالات علمی به سیاست‌های نادرست دولت‌ها می‌رسیم که هریک منشاء جرائم خاصی شده‌اند. البته وقتی ما به نوع حکومت‌های دیکتاتوری می‌رسیم، ماهیت این نوع از حکومت‌های سیاسی در ذات خود به نظر نگارنده جرم زاست و بعلاوه رویکردهای ذهنی رهبران آنان عملاً یکسری ویژگی‌های لاینفک برای این نوع سیاسی حکومت متصور است، حتی با گذر از دروان پسا جهانی شدن و رسیدن به

با شروع قرن بیست و یکم که با حوادث مهم ۱۱ سپتامبر آغاز گردید، بتدریج ماهیت همیشگی نظام بین‌الملل یعنی تغییر و دگرگونی نمایان شد و ثابت گردید که این الگو از نظام بین‌الملل نیز دائمی نبوده و الگوی دیگری که همان نظام چند قطبی است در حال شکل گرفتن است. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۹) اینجا بدین نکته می‌رسیم که جهانی شدن با رویکردهای تعدیل گرا نقش مهمی در تحقق حکمرانی خوب دارد (حبیب پور و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۹) با توجه به رویکردهای برشمرده شده برای مقوله جهانی شدن در حوزه حکمرانی خوب، این پروسه در نوع خود باعث توسعه انسانی می‌شود (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳).

امروزه به نوعی اثبات شده است که دولت‌ها به صورت ناخواسته با سیاست‌های غلط خود مولد جرم‌اند یعنی رفتار دولت‌ها در نوع خود متغیر

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: mousavifard136394@gmail.com

باورهای هویت بازیگر را می‌سازند. (Wendt, 1991, p 1) بر خلاف برخی دیگر از رویکردها و نظریه‌های برجسته (مانند واقع گرایی و انتخاب عقلانی)، سازه گرایان هویت و علایق بازیگران را به صورت اجتماعی ساخته شده و قابل تغییر می‌دانند. هویت‌ها ثابت نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به صورت برون‌زا فرض کرد. (Ruggie, 1998, p 855 and Wendt, 1992, p 391) سازه انگاری همانند انتخاب عقلانی، ساخت‌گرایی پیش‌بینی‌های گسترده و مشخصی درباره روابط بین‌الملل انجام نمی‌دهد.^۲ این رویکردی برای مطالعه فلسفه سیاست بین‌الملل است، نه یک نظریه اساسی در مورد سیاست بین‌الملل به منظور تحلیل آن نیست. تحلیل‌های سازنده‌گرا تنها زمانی می‌توانند توضیحات یا پیش‌بینی‌های اساسی ارائه دهند که بازیگران مرتبط و علایق آن‌ها و همچنین محتوای ساختارهای اجتماعی شناسایی شوند (Wendt et al., 2002, p 52 and Hopf, 1998, p 171). در حالی که سایر رویکردهای برجسته قدرت را در شرایط مادی (مانند قابلیت‌های نظامی و اقتصادی) مفهوم‌سازی می‌کنند، تحلیل‌های سازنده‌گرایانه نیز قدرت را توانایی ساختاردهی و تشکیل ماهیت روابط اجتماعی بین بازیگران می‌دانند (Barnett et al., 2005, p 39). در ادامه، در قالب نمودار شماره (۱) به اختلافات ذاتی تئوریک این دو تئوری از منظر رویکرد نظر سازه انگاری پرداخته خواهد شد (منبع نگارنده).

۳- جامعه‌شناسی جنایی لیبرالیسم در تحلیل دولت

در اوایل دهه ۱۹۰۰، پوزیتیویسم اجتماعی ظهور کرد و به دلیل تأکید بر مواردی مانند فشار همسالان و به‌هم‌ریختگی محله به عنوان علل رفتار مجرمانه، به خوبی شناخته شد. اصلاحات و جرم‌شناسی پوزیتیویستی لیبرال در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تکامل یافت، و پوزیتیویسم اجتماعی نیروی غالب در هر دو منطقه بود. تئوری برچسب‌گذاری، یک تحول مهم در دهه ۱۹۶۰، از نظر ایدئولوژی شبیه به پوزیتیویسم اجتماعی لیبرال بود و بازیگران را محدود می‌نگرید. توسعه موازی با دیدگاه برچسب‌گذاری، زیرشاخه جامعه‌شناسی بود که به عنوان انحراف شناخته شد. با تأکید بر واکنش مخاطبان، دیدگاه برچسب‌گذاری نیروی اصلی در تلاش‌های جامعه‌شناختی برای مطالعه منشأ

مدل وستفالیایی و سنتی دولت‌ها فقط متغیرهای تأثیرگذار سابق نوسازی می‌شوند و تغییرات محسوسی در آن‌ها ایجاد نمی‌شود که این نوسازی نیز لاجرم به واسطه تأثیرات جهانی شدن بر افکار عمومی ضرورت حکمرانی در مدل سابق با شکل و شمایل جدید است. پس باید برای آن زمان شناخت وجود داشته باشد. همین ضرورت ما را بر آن داشت در یک کار آینده‌پژوهی بدین نکته بپردازیم که با توجه به تعارضات آشکار تئوریک در نقش جرم‌زایی نوع حکومت‌ها در تولید ناخواسته جرائم تحت تأثیر جهانی شدن در گذار به چند قطبی مسلط چه نوع رفتاری برای حکمرانی‌ها متصور است؟ به نظر می‌رسد با توجه به گذار جهان از مدل تک قطبی لیبرال به چند قطبی دیکتاتور گونه با مدل جدید نزدیک می‌شویم، در نتیجه تعارضات تئوریک بین لیبرالیسم و سوسیالیسم توانایی تفسیر وضع موجود را ندارد براساس تأثیرات جهانی شدن دیکتاتورهای نوین مجبورند رفتار عقلایی با مردمان خود داشته باشند. در نتیجه جرم‌زایی دولت‌های دیکتاتوری در نظام چند قطبی کمتر از نوع سنتی آن خواهد بود با رویکردی توصیفی تحلیلی با روش اسنادی در پی تبیین این بحث هستیم.

۲- رهیافت نظری

جدال و نزاع تئوریک بین لیبرالیسم و سوسیالیسم که از قدیم الایام وجود داشته است نوعی جدل هویتی است که نوعاً نمی‌تواند پایانی بر آن متصور بود از این رو به نظر تئوری سازه انگاری یکی از کامل‌ترین نظریات در این زمینه است که می‌تواند این تعارض تئوریک را به خوبی به نمایش بگذارد. با توجه به اینکه رویکردهای متعارض اندیشه‌ای این دو مکتب نوعاً بر اساس ذات و منشأ اصلی است و تقریباً اختلاف در هویت وجودی آن‌هاست همیشه برای آن‌ها تقابل و حرکت در موازات هم متصور است. در روابط بین‌الملل، ساخت‌گرایی نظریه‌ای اجتماعی است که ادعا می‌کند جنبه‌های مهم روابط بین‌الملل توسط عوامل عقیدتی (که از لحاظ تاریخی و اجتماعی ساخته شده‌اند) شکل می‌گیرند، نه صرفاً عوامل مادی مرتبط با آن.^۱ مهم‌ترین عوامل عقیدتی آن‌هایی هستند که به طور جمعی برگزار می‌شوند. این

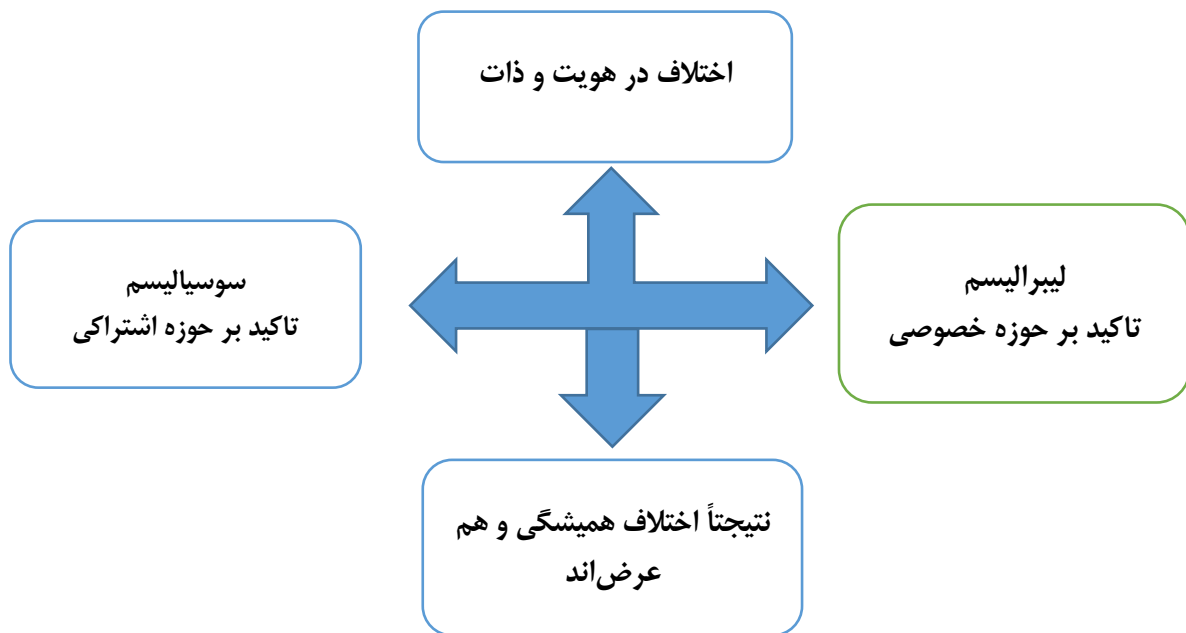
۱. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص به اصل منابع ارجاعی رجوع شود:

– Finnemore, Martha; Sikkink, Kathryn (2001). “Taking Stock: The Constructivist Research Program in International Relations and Comparative Politics”. *Annual Review of Political Science*. 4 (1): 391–416. doi:10.1146/annurev.polisci.4.1.391. S2CID 3640392.

– Barnett, Michael L. (2018). Ghenciu, Alexandra; Wohlforth, William C (eds.). “Constructivism”. *The Oxford Handbook of International Security*. pp. 85–99. doi:10.1093/oxfordhb/9780198777854.013.7. ISBN 978-0-19-877785-4. Archived from the original on 2018-09-06.

۲. نیکلاس اونوف با ابداع اصطلاح ساخت‌گرایی برای توصیف نظریه‌هایی که بر ماهیت ساختاری اجتماعی روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند، اعتبار دارد. به اصل منبع ارجاعی رجوع شود:

–Robert Howard Jackson and Georg Sørensen (2010). *Introduction to International Relations: Theories and Approaches*, 4th Edition. Oxford University Press. p. 166. ISBN 978-0-19-954884-2. Constructivism was introduced to IR by Nicholas Onuf (1989) who coined the term



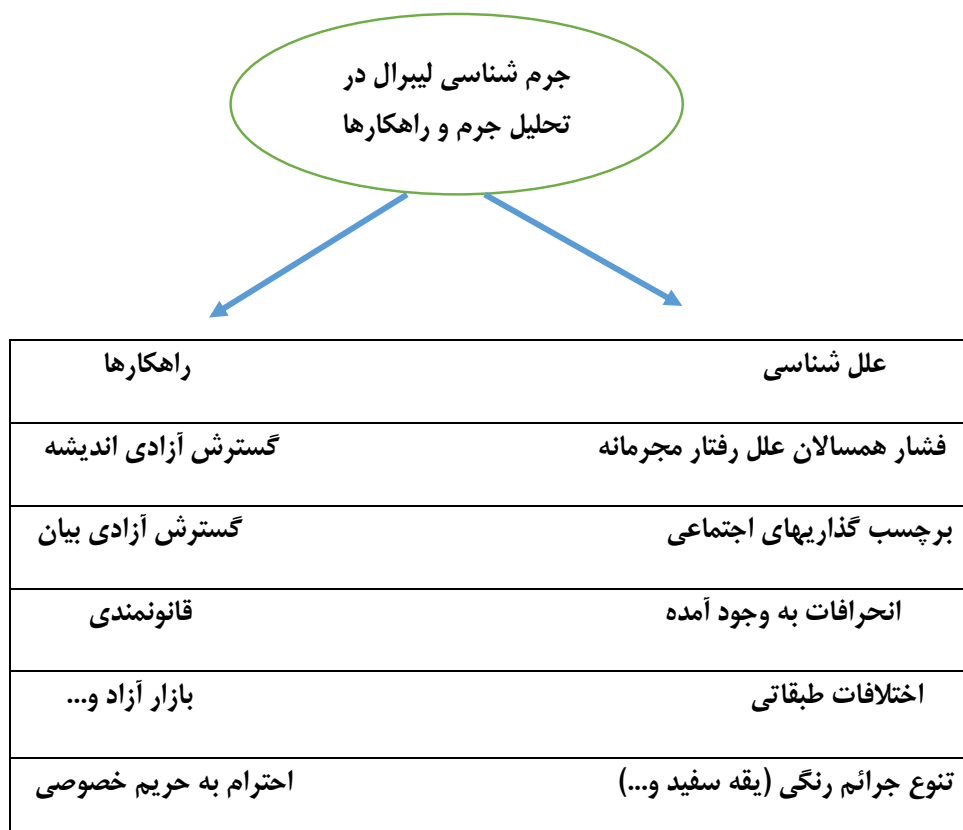
نمودار ۱. اختلافات ذاتی تئوریک دو تئوری لیبرالیسم و سوسیالیسم از منظر رویکرد نظر سازه انگاری

و عملکرد حقوق کیفری بود. از آنجایی که برچسب‌گذاری بر واکنش‌های اجتماعی و انحرافات در محیط سیاسی متمرکز بود، تئوری تعارض نتیجه تئوری برچسب‌گذاری بود. هر دو برچسب زدن و پوزیتیویسم فرض را بر این گذاشتند که افراد به نحوی محدود شده‌اند، اگرچه اعتقاد به ظرفیت انسانی برای اقدام داوطلبانه، من را متمایز از بازدارندگی از آسیب‌های اجتماعی و اجتماعی می‌کند. در بیشتر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، جرم‌شناسی عمدتاً تحت تأثیر مفهوم لیبرالیسم سیاسی قرار گرفته است. یعنی نگاه همدلانه به مجرمان و رسیدگی به مشکل رفتار مجرمانه در ساختار اجتماعی موجود. توجه اندکی توسط جرم‌شناسان لیبرال به درگیری طبقاتی و تخلفات مرفهین شده است. دو تحولی که به سرعت در حال رشد در زمینه جرم‌شناسی در طول دو دهه است، جهت‌گیری‌های بازدارنده و مارکسیستی بوده‌اند و هر دو منعکس کننده نگرانی‌های اجتماعی و سیاسی این دو دهه بوده‌اند. یادداشت‌های گسترده گنجانده شده است (Gallagher, 1987, p 245).

برخی از نویسندگان در تحلیل دولت لیبرال در غرب آنرا به نخبه‌گرایی لیبرال، یا قیومیت افلاطونی تعبیر کرده‌اند، این ولایت افلاطونی را به نوعی از پیش شرط‌ها و هنجارهای محدود کننده در جامعه تعبیر می‌کند که می‌تواند احساسات جامعه را خدشه دار کند. (Loader, 2006, p561) همه آن‌ها به صورت عمومی توسط چند قاعده متحد هستند، از جمله گسترش آزادی

اندیشه و آزادی بیان، محدود کردن قدرت دولت‌ها، نقش قانون، تبادل آزاد ایده‌ها، اقتصاد بازاری یا اقتصاد مختلط و یک سیستم شفاف دولتی است. همه لیبرال‌ها همین طور بعضی از هواداران ایدئولوژی‌های سیاسی دیگر از چند فرم مختلف دولت که به آن لیبرال دموکراسی اطلاق می‌شود، با انتخابات آزاد و عادلانه و حقوق یکسان همه شهروندان توسط قانون، حمایت می‌کنند. در مقابل این دیدگاه اگر جرم‌شناسی انتقادی را بخواهیم قرار دهیم چنین باید گفت: جرم‌شناسان انتقادی را باید تشویق کرد که در مورد سیاست‌ها، برنامه‌ها، نهادها یا ساختارهای اجتماعی موجود قضاوت نکنند، بلکه منطق وجود را فراتر از محدودیت‌های تثبیت‌شده احضار کنند. تا بتوانند به مطلوبیت سیاسی و اجتماعی بیشتری دست یابند.

(Hogeveen et al., 2006, p681) برخی دیگر از لیبرال‌ها قضیه را از دید آسیب اجتماعی نگاه کرده‌اند به هیچ وجه به قائل حل مسئله نیستند؛ توماس ریمن وضعیت فعلی مفهوم آسیب اجتماعی زندگی روزمره، مفهومی را در یک وضعیت توسعه نیافته بی‌نظمی می‌یابد که در بن بست‌های پایان ناپذیر و اختلاف نظرهای شدید در مورد آنچه باید و نباید مضر تلقی شود رفتار شده است. معمای آسیب اجتماعی برای توضیح پیدایش این بحران مفهومی و شناسایی آنچه باید برای حل آن انجام دهیم، از دوران باستان یونانی-رومی تا به امروز سفر می‌کند و روندها و تحولات در فلسفه اخلاقی



نمودار ۲. تحلیل‌های جرم شناسان لیبرال در خصوص علل جرم در جامعه و ارائه راهکارهای آن

خصوصی و خواهان برقراری مالکیت اجتماعی می‌باشد. این ایدئولوژی درصدد است تا به تحقق مالکیت اجتماعی توسط اتحادیه‌های کارگری یا پرولتاریا کمک کند و به‌طور غیرمستقیم توسط دولت (پاسدار همه منافع مردم)، نه گروه‌های خاص اجرا شود و اصالت دادن به اجتماع، مخلوقات اجتماعی و کاهش یا حذف تقسیمات طبقاتی را هدف خود می‌داند. دولت‌ها با اینکه ضامن نظم و امنیت هستند اما گاه ممکن است مرتکب جرم شده و موجب ناامنی و بی‌نظمی شوند. باوجود تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری دولت‌ها از منظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است و این موجب بی‌کیفرمانی جرائم دولتی می‌شود. باتوجه به این خلأ، می‌توان با استفاده از برخی رویکردهای جرم‌شناختی، برای مسئولیت کیفری دولت‌ها به عنوان شخص حقوقی، تعدادی مبنا تعیین کرد. جلوگیری از برچسب زنی بر شهروندان، جلوگیری از نقض حقوق بشر، جلوگیری از ورود آسیب بر مردم، حمایت از بزه دیدگان و حق مقابله مردم با دولت‌های مجرم، مبانی جرم‌شناختی این مساله هستند (موثقی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵). سوسیالیسم دولتی نوعی از تفکرات سوسیالیستی است که توسط لویی

و سیاسی، دین، حقوق، سیاسی را بررسی می‌کند^۱. اقتصاد و فرهنگ در طول مسیر، ما می‌بینیم که چگونه چنین روندها و تحولاتی نه تنها ایجاد یک مبنای مشترک برای ارزیابی آسیب را دشوارتر کرده است، بلکه ابزارهایی که ممکن است ما را قادر به انجام این کار کنند اکنون کاملاً توسط سیاست اقتصادی، فرهنگی، ممنوع شده است. و ایدئولوژی اخلاقی لیبرالیسم که بر جامعه معاصر حاکم است (Raymen, 2022, p 15). در ادامه، در قالب نمودار شماره (۲) به تحلیل‌های جرم شناسان لیبرال در خصوص علل جرم در جامعه و مضاف بر آن ارائه راهکارهای آن پرداخته می‌شود (منبع نگارنده).

۴- حاکمیت از نظر سوسیالیسم در مدل جامعه‌شناسی جنایی

سوسیالیسم به‌معنای وسیع کلمه، طیف متنوعی از اندیشه‌ها و متفکران را دربر می‌گیرد که تنها ویژگی مشترک آن‌ها اعتقاد به "لزوم برابری بیشتر برای انسان‌ها و افزایش نقش کارگران در اداره جوامع" است. سوسیالیسم در واقع ایدئولوژی است که در مخالفت با کاپیتالیسم قائل به لغو مالکیت

۱. به خاطر رعایت اختصار از توضیحات بیشتر صرف‌نظر گردید.

بلان بنیان‌گذاری شد. لویی بلان به‌همراه سایر طرفدارانش توانست دولت را مجبور به دخالت در امر اقتصادی کرده تا در مورد تجدید ساعات کار و جلوگیری از کار اجباری زندانیان، تصمیماتی بگیرد. دولت همچنین اقدام به تشکیل دفاتر کارمایی و شرکت‌های تعاونی و کارگاه‌های ملی نمود (جاسبی، ۱۳۷۶، ص ۴۲). علی‌رغم این واقعیت که مارکس به طور سیستماتیک به جرم نپرداخته است، جرم‌شناسان از نظریه مارکسیستی برای تجزیه و تحلیل قوانین، جنایت و نظام عدالت کیفری استفاده کرده‌اند. در طول ۴۰ سال گذشته، جرم‌شناسی مارکسیستی به یک مؤلفه اصلی چیزی تبدیل شده است که به طور گسترده از آن به عنوان جرم‌شناسی انتقادی یاد می‌شود. بسیاری از جرم‌شناسان انتقادی به توسعه جرم‌شناسی مارکسیستی کمک کرده‌اند و جایگاه آن در حوزه جرم‌شناسی انتقادی به خوبی تثبیت شده است. در عین حال، بینش‌های ارائه‌شده توسط نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی در میان جرم‌شناسان جریان اصلی مورد توجه قرار نگرفت، علی‌رغم این واقعیت که برخی با جرم‌شناسان مارکسیست رویکردی کلان یا ساختاری برای مطالعه جرم دارند. در حالی که پیشرفت‌های اخیر در نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی کند شده است، جرم‌شناسان مارکسیست هنوز می‌توانند چارچوبی مناسب برای درک قانون، جرم و واکنش دولت به جرم ارائه کنند.

(Chambliss et al., 2018, p 2998) دیدگاه مارکسیستی در مورد جنایت بر این موضوع تمرکز می‌کند که چگونه جرم و جنایت "برآمده طبیعی سیستم سرمایه‌داری است و چگونه سیستم عدالت کیفری به نفع نخبگان و علیه طبقات اجتماعی پایین عمل می‌کند." جرم‌شناسان مارکسیست قدرت را در دست بورژوازی می‌دانند و قوانین بازتاب ایدئولوژی بورژوازی است. سیستم حقوقی (وکلا، قضات و دادگاه‌ها) و پلیس همگی در خدمت منافع بورژوازی هستند. از این نهادها برای کنترل توده‌ها، جلوگیری از انقلاب و نگه داشتن مردم در حالت آگاهی کاذب استفاده می‌شود. دیدگاه مارکسیستی در مورد جرم را می‌توان در چهار نکته کلیدی خلاصه کرد:

- I. سرمایه‌داری جرم‌زا است این بدان معناست که نظام سرمایه‌داری رفتار مجرمانه را تشویق می‌کند؛
- II. قانون توسط نخبگان سرمایه‌داری ساخته شده است و تمایل دارد در جهت منافع آن‌ها عمل کند؛
- III. همه طبقات، نه فقط طبقات کارگر، مرتکب جرم می‌شوند، و جنایات طبقه سرمایه‌دار از جنایات خیابانی پرهزینه‌تر است؛

IV. دولت اجرای گزینشی قانون را اعمال می‌کند سیستم عدالت کیفری عمدتاً به پلیس و مجازات حاشیه‌نشینان می‌پردازد، نه ثروتمندان، و این

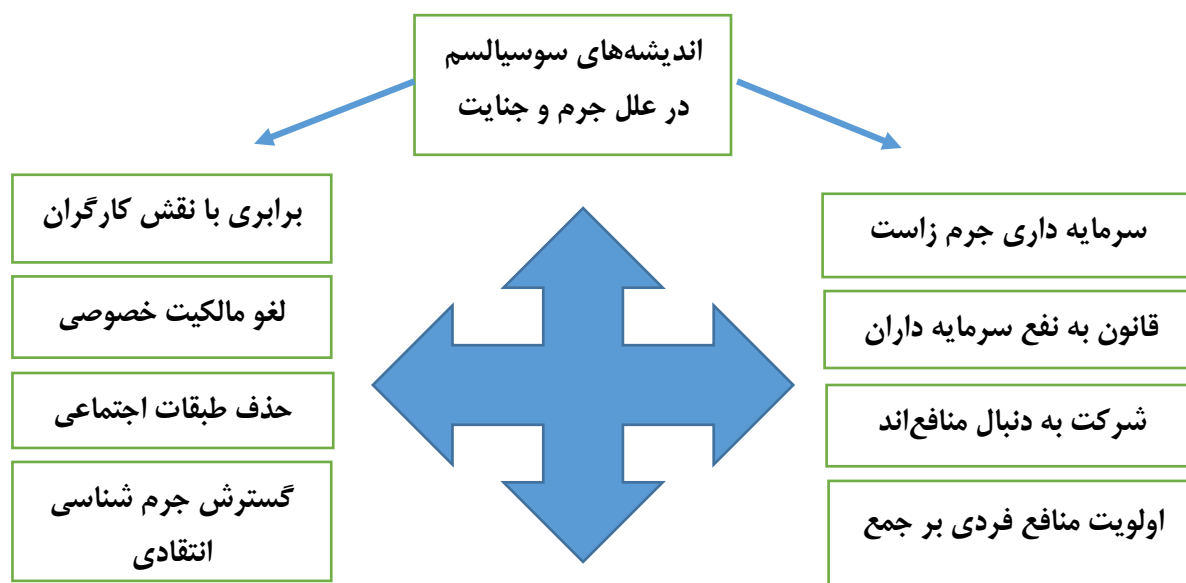
کارکردهای ایدئولوژیک را برای طبقات نخبه انجام می‌دهد.^۱ بسیاری از مارکسیست‌ها جرم و جنایت را «برآمدگی» طبیعی دولت در نظام سرمایه‌داری می‌دانند. می‌توان گفت که نظام سرمایه‌داری از سه جهت جرم‌زا است:

۱. سرمایه‌داری افراد را تشویق می‌کند که به جای انجام وظیفه عمومی، به دنبال منافع شخصی باشند.
۲. سرمایه‌داری افراد را تشویق می‌کند تا مصرف‌کنندگان مادی‌گرا باشند و ما را به یک سبک زندگی غیرواقعی و اغلب دست نیافتنی می‌کشاند.
۳. سرمایه‌داری در پی خود باعث ایجاد نابرابری و فقر گسترده می‌شود، شرایطی که با نرخ بالاتر جرم و جنایت مرتبط است (Ibid).

دیوید گوردون، جامعه‌شناس مارکسیست، می‌گوید که جوامع سرمایه‌داری «جوامع سگ‌خور» هستند که در آن هر شرکت و هر فردی تشویق می‌شود که به دنبال منافع خود قبل از منافع دیگران، قبل از منافع جامعه، و قبل از حمایت از آن‌ها باشد. محیط زیست. اگر به نظام سرمایه‌داری نگاه کنیم، چیزی که در می‌یابیم این است که نه تنها توصیه می‌کند که ما را به دنبال منافع شخصی سود ببریم، بلکه می‌آموزیم که آسیب رساندن به دیگران و محیط زیست در این فرآیند قابل قبول است. هدف نظریات مارکسیستی جرم، تفاوت قدرت بین طبقات مختلف اجتماعی است. قوانین و اجرای آن‌ها در خدمت حفظ این اختلافات قدرت است (Wickert, 2022). مارکسیست‌ها اشاره می‌کنند که در یک جامعه سرمایه‌داری، فشار رقابتی بسیار زیادی برای کسب درآمد بیشتر، موفقیت بیشتر و سود بیشتر وجود دارد، زیرا در یک سیستم رقابتی، این تنها راه تضمین بقا است. در چنین شرایطی، نقض قانون در مقایسه با فشار برای موفقیت و فشار برای شکستن قانون بر همه مردم تأثیر می‌گذارد: از بانکدار سرمایه‌گذاری گرفته تا اعضای بیکار باند، می‌تواند بی‌اهمیت به نظر برسد. مارکسیست‌ها این نظریه را مطرح می‌کنند که ارزش‌های نظام سرمایه‌داری به بقیه فرهنگ ما سرازیر می‌شود. دوباره به انگیزه مجرمان اقتصادی فکر کنید: سارقان، که بدون توجه به قربانیان به دنبال منافع شخصی هستند (Ibid). در ادامه در قالب نمودار شماره (۳) تعارض منشأ در نظریات سوسیالیسم و لیبرالیسم به خوبی نشان داده می‌شود:

۵- رفتارهای دیکتاتورگونه حاکم در مدل روان‌شناسی جنایی
بدو با یک سؤال این بخش را شروع می‌کنیم اونهم این مسئله است که آیا اساساً رویکردها و مدل‌های کنونی روان‌شناسی جنایی که پیامدهای

1. See article: _____ (2022) 'The Marxist Perspective on Crime' Availability: <https://revisesociology.com/2016/06/04/marxist-theory-crime>.



نمودار ۳. تعارض منشأ در نظریات سوسیالیسم و لیبرالیسم

ایستادند^۱. در برخی موارد، وحشی که آن‌ها اعمال می‌کردند به آن‌ها کمک کرد تا سال‌ها قدرت را حفظ کنند و نام آن‌ها را برای همیشه در کتاب‌های تاریخ ما ثبت کنند. هر یک از نام‌های ذکر شده در بالا مسئول بیش از یک میلیون مرگ است و حتی آن دسته از شهروندانی که خوش شانس بودند که از سلطنت خود جان سالم به در برده بودند در ترس مداوم از مرگ، کار اجباری یا شکنجه زندگی می‌کردند (Ibid). نکته‌ای که باید به عنوان حوزه مشترک روان‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی جنایی در قلمرو رفتار دولت‌ها باید روی آن تاکید کرد این است که هنوز به مدل مشترکی برای مطالعات رفتاری آن‌ها در تمامی مبانی تئوریک نرسیده‌ایم، می‌توان امیدوار بود در آینده بدین وحدت تئوریک برسیم^۲.

رهبران دیکتاتوری مانند اینها نشان دهنده پتانسیل شدید ظرفیت انسانی برای شر هستند، و با وجود این، علی‌رغم قدرت مطلق ظاهری آن‌ها در حوزه‌های قدرت فردی خود، این افراد همچنین از اضطراب مفرط رنج می‌برند عمدتاً در مورد ترس‌های پارانوئید از قیام شهروندان و یا ترور مثلاً:

۱. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص به منابع تکمیلی ذیل رجوع شود:

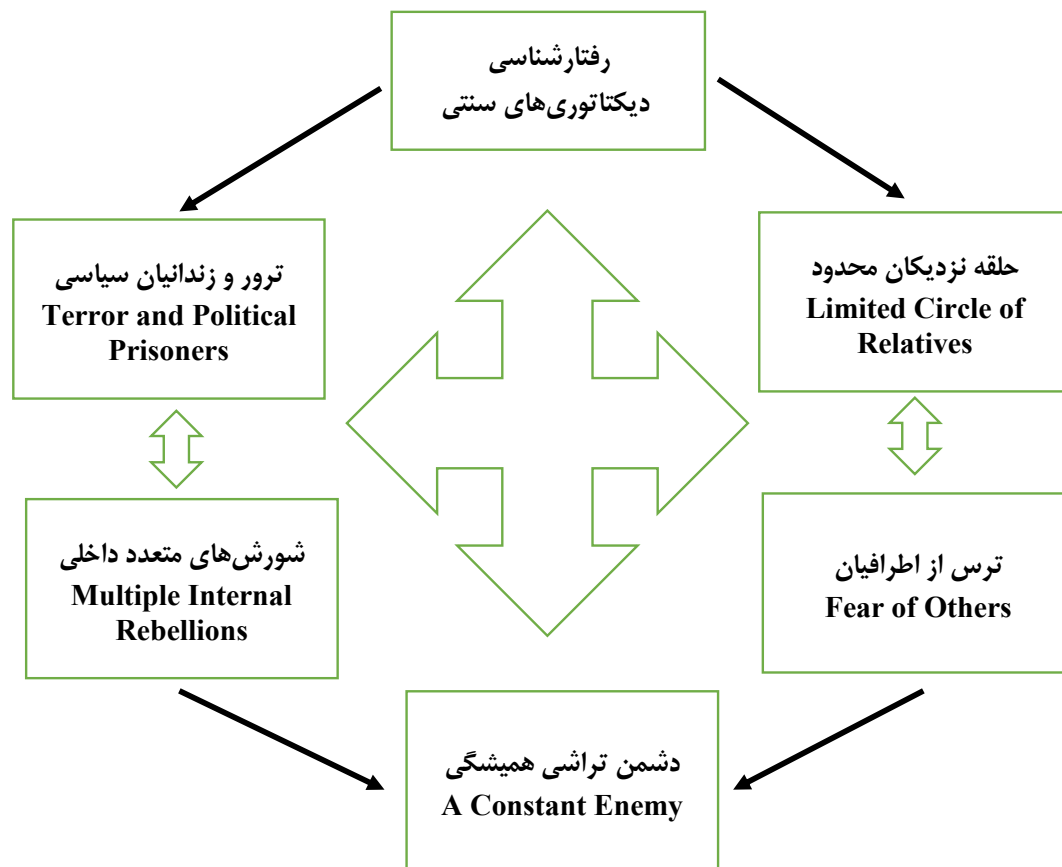
- Locard, H. (2005). State violence in Democratic Kampuchea (1975–1979) and retribution (1979–2004). *European Review of History—Revue européenne d'Histoire*, 12(1), pp.121-143.

- Khlevniuk, O. B. (2004). *The History of the Gulag: From Collectivization to the Great Terror*: Yale University Press.

۲. به نظر نگارنده چنین است.

جامعه‌شناختی را نیز به دنبال دارد، با در نظر گرفتن ظرفیت روان‌شناسی سیاسی، توانایی تحلیل و شناخت شخصیت و رفتار دیکتاتورها را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت‌های اختلالات تیپ هشت ایناگرام، برخی خصوصیات روان‌پریشی و برون‌گرایی در نظریه آیزنک، ظرفیت علمی شناخت چنین بستری را دارد. نتایج حاکی از آن است که تبعاتی همچون وجود زندانیان مخالف سیاسی از طریق جنگ‌طلبی، خشونت بالا در سطح داخلی برای کنترل شورش‌های احتمالی، حلقه نزدیکان محدود که اغلب فاسدند، وجود رفتارهای تکانشی و بی‌پروا، دروغ گفتن به عنوان ابزاری برای رسیدن به مزایا و منفعت شخصی و... از کم‌ترین تبعات جرم‌شناختی این اختلالات روانی است (موسوی فرد و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱).

آدولف هیتلر، مائو تسه تونگ (یا تسه تونگ)، یوزف استالین، پل پوت - نام‌هایی از این دست تخیلات فرهنگی ما را آزار می‌دهند. این افراد، طبق همه گزارش‌های موجود، دیکتاتورهای تمامیت‌خواه بودند، که به دنبال حفظ کنترل کامل بر دولت‌ها و جمعیت‌های مربوطه از طریق روش‌های رادیکال، از جمله قتل و زندانی کردن سیستماتیک همه کسانی بودند که در برابر آن‌ها



نمودار ۴. نشانگر وضعیت سنتی

تحریک شد.^۱ نمودار شماره (۴) نشانگر وضعیت سنتی دقت شود (منبع: نگارنده).

۶- تعامل یا تراحم در حوزه لیبرالیسم و سوسیالیسم

لیبرالیسم معمولاً به عنوان یک دکترین یا ایدئولوژی سیاسی در نظر گرفته می‌شود که به حداکثر کردن آزادی فردی مربوط می‌شود. با این حال، به دنبال کار فوکو در مورد حکومت‌داری، استفاده متفاوتی بر اساس ایده شیوه لیبرال حکومت پیشنهاد شده است. من استدلال می‌کنم که تفاوت‌های بین این گزارش‌ها از لیبرالیسم ناشی از یک ابهام اساسی در پروژه لیبرال است که در نتیجه آن، شکل جامعه‌ای از افراد خودمختار از یک سو به عنوان واقعیت معین ظاهر می‌شود و در خدمت شناسایی شخصیت و حدود است. دولت مشروع، در حالی که از سوی دیگر به نظر

۱. صدام حسین سطحی از پارانویا را به نمایش گذاشت که هر روز چندین وعده غذایی برای او در سرتاسر سرزمین عراق آماده می‌کرد تا مطمئن شود هیچ‌کس نمی‌داند کجا غذا می‌خورد. او حتی تا آنجا پیش رفت که از بدن دبل تغییر یافته توسط جراحی استفاده کرد.

۲. کیم جونگ ایل، رهبر سابق کره شمالی و پدر رهبر کنونی کیم جونگ اون، در حین پرواز چنان ترسی از ترور نشان داد که منحصراً از طریق یک قطار زره‌پوش به صورت زمینی سفر می‌کرد، از جمله زمانی که تا مسکو می‌رفت.^۱

۳. شی، یک دیکتاتور برمه، آنقدر نگران ماهیت ضعیف حکومت خود بود که زمانی پایتخت برمه را به مکانی دورافتاده در جنگل بدون آب یا برق منتقل کرد. یک تاکتیک افراطی که با توصیه اخترشناس شخصی او

2. See: Pollard, S. (2011, December 29). From Fidel Castro to Hugo Chavez: with great power comes truly great paranoia. The Telegraph. Retrieved from or accessibility <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/southamerica/8982974/From-Fidel-Castro-to-Hugo-Chavez-with-great-power-comes-truly-great-paranoia.html>

1. See: BBC News: World Edition (2002, August 20). Kim Jong-il Rolls into Russia. Retrieved from <http://news.bbc.co.uk/2/hi/asia-pacific/2204146.stm>

چرا لیبرال‌های قرن نوزدهمی اینقدر از دموکراسی ناراحت بودند و چرا به نظر نمی‌رسد لیبرال‌های مدرن در این تردیدها سهیم باشند؟
آیا در قرن بیست و یکم دولت همچنان تهدید اصلی برای فرد است؟ تا چه اندازه درست است که بگوئیم پیروزی ایدئولوژی لیبرال به بهای کسوف احزاب سیاسی لیبرال بوده است؟

۷- دولت‌های دیکتاتوری مدرن و نشانه‌های آن

قبل از دوره مدرن، اصطلاح «دیکتاتوری» به معنای تعلیق موقت قانون اساسی به کار می‌رفت که به یک فرد اجازه می‌داد قدرت نامحدودی را به دست گیرد تا به طور مؤثر به برخی بحران‌ها پاسخ دهد که یکپارچگی یا بقای سیاسی یک جامعه را تهدید می‌کرد. در قرون وسطی در اروپا، و نهادهای شدن سلسله‌های موروثی در شرق و جنوب آسیا، حاکمانی که از قدرت نامحدود استفاده می‌کردند، به عنوان «امپراتور»، «سلطان»، «استبداد» یا «ظالم» شناخته می‌شدند. در دوره، اصطلاح «دیکتاتوری» مجدداً مطرح شد و به سیستم‌هایی اطلاق شد که در آن محدودیت‌های قانون اساسی بر قدرت‌های دولتی به حالت تعلیق درآمده و قدرت نامحدود معمولاً به یک فرد منتقل می‌شد. پس از پایان جنگ جهانی اول، طبقه جدیدی از دیکتاتوری‌های مدرن پدیدار شد که مشخصه آن‌ها «احزاب پیش‌تاز»، «رهبران کاریزماتیک»، ایدئولوژی‌های رسمی بود که در خدمت مشروعیت بخشیدن به حکومت اقلیت منتخب بودند، و زیرساخت‌های امنیتی و کنترلی که قادر به تسلط بر کل بود. جمعیت‌ها از میان آن طبقه دیکتاتوری، زیرمجموعه‌ای از رژیم‌ها به عنوان «توتالیتاریسم» شناخته شده‌اند (Gregor, 2015). به‌طور کلی، دیکتاتوری‌های مدرن پیوسته نظامی را به حکومت حزبی واحد حفظ می‌کنند. در مورد بلشویک‌ها، ارتش سرخ به آن کمک می‌کند. در مورد انقلاب فاشیستی، آن عنصر کمکی شبه نظامیان پیراهن سیاه بود. در مورد ناسیونال سوسیالیسم آدولف هیتلر، آن عنصر الحاقی، ستاد شوتز بود، در حالی که نیروی نظامی به عنوان ابزار نهایی نظام باقی مانده است، دیکتاتوری‌های مدرن تمایل دارند که تمایلات پوپولیستی داشته باشند. آن‌ها به دنبال تأیید همه‌پرسی از طریق انتخابات کنترل شده هستند. رهبری، در دیکتاتوری‌های مدرن، از آنجایی که مشخصاً «کاریزماتیک» است، از تصدی زندگی لذت می‌برد. (کره شمالی)، به عنوان نمونه، نمونه‌ای از

می‌رسد هنوز مثبتی تحقق نیافته است و در خدمت تعریف هدف برای انواع پروژه‌های دولتی است. از آنجایی که چهره جامعه افراد خودمختار به عنوان واقعیت معین در نظر گرفته می‌شود، تمایل دارد بر توصیفات استاندارد لیبرالیسم به عنوان دکترین حکومت تسلط یابد، همچنین نقش مهمی در توصیفات متضاد دموکراسی و سوسیالیسم ایفا می‌کند. ما باید انتظار داشته باشیم که دیدگاه چنین جامعه‌ای به عنوان یک مصنوع تصویری متفاوت ایجاد کند (Hindess, 2006, p300).

در طول دهه ۱۹۲۰، لیبرالیسم در دو سطح ایدئولوژیک و سازمانی عمل کرد و به نظر می‌رسید که درگیر مبارزه مرگ و زندگی با دیگر نیروی مترقی اصلی در بریتانیا است. این فصل به بررسی نحوه تفسیر لیبرال‌ها از رابطه دوگانه و تأثیر آن بر تصویر خود می‌پردازد. دو مشکل در رابطه بین لیبرالیسم و سوسیالیسم/کارگری شناسایی می‌شود: هم‌ذات‌پنداری حزب با ایدئولوژی که منجر به نسخه‌ای بیش از حد ساده شده از رویدادها می‌شود که توسط آن کارکرد مترقی لیبرالیسم توسط حزب کارگر به دست می‌آید، و از بین بردن تأثیرات حزب کارگر. جنبش‌های لیبرال و کارگری شد (Freeden, 1986, p 177).

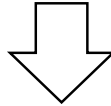
لیبرالیسم در آغاز هزاره سوم به ایدئولوژی غالب تبدیل شده است. مانند محافظه‌کاری نمی‌توان آن را به راحتی با یک حزب سیاسی خاص شناسایی کرد. ما خاستگاه لیبرالیسم را به اواخر قرن هفدهم و آشفتگی سیاسی در انگلستان که پس از جنگ‌های داخلی اواسط قرن به دنبال داشت، دنبال می‌کنیم. پس از آن، «عصر طلایی» لیبرالیسم در قرن نوزدهم مورد مطالعه قرار گرفته و مضامین اصلی لیبرالیسم «کلاسیک» و «نو» طرح و مورد بحث قرار می‌گیرد. محدودیت‌های لیبرالیسم بریتانیا درست قبل از جنگ جهانی اول آشکار شد و در طول دوره بین جنگ تقریباً تحت الشعاع قرار گرفت. ما در مورد رنسانس آشکار لیبرالیسم که پس از فروپاشی کمونیسم شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و پیروزی آشکار دموکراسی لیبرال سرمایه‌داری در مقیاس جهانی به وجود آمد، بحث می‌کنیم. برخی از نارسایی‌های لیبرالیسم معاصر مورد بحث قرار می‌گیرد و برآوردی از آینده‌ای که در انتظار لیبرالیسم است انجام می‌شود. هرچند در این نزاع تئوریک سؤالات بسیاری هنوز بی پاسخ مانده است: آیا لیبرالیسم از نظر فرهنگی مختص غرب‌زدگی است یا ارزش جهانی دارد؟

تا چه حد تمرکز لیبرال بر فرد بر اساس درک نادرست از طبیعت انسان است؟

لیبرالیسم در چه نقطه‌ای به پایان می‌رسد و سوسیالیسم آغاز می‌شود؟

1. See: Kevin Harrison and Tony Boyd(2018)Understanding political ideas and movements' eISBN: 9781526137951, Online Publication 30 Jul. Publisher: Manchester University Press.[https://www.manchesteropenhive.com/configurable/content/9781526137951\\$002f9781526137951.00014.xml?t:ac=9781526137951%24002f9781526137951.00014.xml](https://www.manchesteropenhive.com/configurable/content/9781526137951$002f9781526137951.00014.xml?t:ac=9781526137951%24002f9781526137951.00014.xml)

شاخصه‌های دیکتاتورهای مدرن
Characteristics of Modern Dictators



احزاب به اصطلاح مدنی انحصارگرا Exclusive Civil Parties	فرد محوری دموکراتیک Democratic Person-Centered
سیاست‌های پوپولیستی شدید Extreme Populist Policies	رهبران کاریزماتیک انتخابی Chosen Charismatic Leaders

نمودار ۵. شاخصه‌های دیکتاتورهای مدرن

فاشیسم قرار گرفت. (Gregor, 2001, p3645) در قالب نمودار شماره (۵) این شاخص به را برمی شماریم (منبع نگارنده).

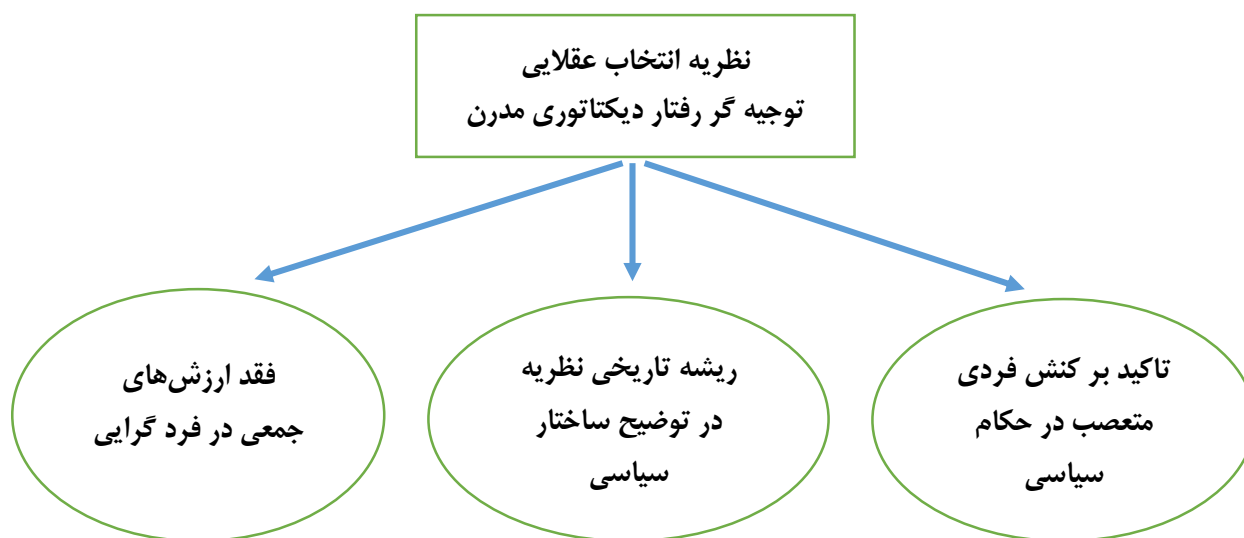
۸- لزوم وجوبی برخورد عقلایی حکام سیاسی

در دوران معاصر حکام سیاسی راهی جز برخورد عقلایی با مردم ندارد؛ نظریه انتخاب عقلانی معتقد است که رفتار سیاسی به بهترین وجه از طریق به‌کارگیری مفروضات ظاهراً «خنثی از ارزش» آن توضیح داده می‌شود که انسان را موجودی منفعت‌طلب، هدفمند و حداکثرساز معرفی می‌کند. تئوری انتخاب عقلانی، توضیح نامنسجمی از شهروندی دموکراتیک ارائه می‌کند و یک نظام سیاسی تولید می‌کند که نشان‌دهنده تعصب دائمی علیه تغییرات سیاسی و پیگیری منافع عمومی است^۱ (Petracca, 1991, p289). لزوم این برخورد عقلایی در هریک از کشورهای جهان امری انکارناپذیر است چرا که؛ این یک واقعیت است که ساختارهای سیاسی سلسله

چنین سیستمی است. پس از جنگ جهانی دوم، کوبا کاسترو، و چین مائو نمونه‌های گویا بودند. نظام تحت حکومت جمال اول عبدالناصر در مصر، و غنا تحت حکومت کوامه نکرومه بسیاری از ویژگی‌های مشابه را به خود اختصاص داد. آن‌ها ویژگی‌های یک دیکتاتوری مدرن را پذیرفتند. در بیشتر موارد، دیکتاتوری‌های مدرن، هر چه خصلت اولیه‌شان باشد، ویژگی‌های یک ناسیونالیسم مؤکد را به خود گرفتند. بلشویسم که به عنوان یک ایدئولوژی مبتنی بر طبقات آغاز شد، به عنوان یک مورد نمونه، خیلی سریع برای حفظ تعهد مردمی به «میهن پرستی» متوسل شد. از همه طبقات و اقشار طبقات در اتحاد جماهیر شوروی انتظار می‌رفت که از اهداف غیرقابل انکار ملی حمایت کنند، هرچند که قرار بود «پرولتاری» باشند. به طور مشابه، با توجه به ویژگی‌هایی که در چنین طبقه‌ای از سیاست‌ها نمونه است، همه آن‌ها نتوانستند آنچه را که نظام‌های پارلمانی و قانون اساسی به عنوان انجمن داوطلبانه، مخالفت رسمی، انتخابات آزاد، تفکیک قوای مقننه، قضایی و مجریه، و همچنین مردمی می‌دانند، اجازه دهند. آزادی بیان و حرکت فردی تقریباً در همه موارد، اساسنامه چنین سیستم‌هایی با مقداری منظم تغییر می‌کند (مثلاً قوانین اساسی جمهوری خلق چین با هر تغییر رهبری تغییر می‌کند) و مفاد آن‌ها در معرض تفسیر بدون محدودیت قرار می‌گیرند (مفاد قانون اساسی). برای مثال، ایتالیای فاشیستی، مورد بازتفسیر منظم موسولینی و شورای بزرگ

۱. نظریه انتخاب منطقی و عقلایی به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها اشاره دارد که به درک رفتار اجتماعی کمک می‌کند. جهت مطالعه به اصل منبع ارجاعی رجوع شود:

-See: Lawrence E. Blume and David Easley (2008). "[Rationality]," The New Palgrave Dictionary. http://www.dictionaryofeconomics.com/article?id=pde2008_R000277&q=Abstract. by Abstract] & pre-publication copy. Amartya Sen (2008). "Rational Behaviour," The New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd Edition. Abstract.



نمودار ۶. توضیح رفتار عقلایی دیکتاتوری مدرن

سازه انگاری می‌رساند که حقوق در روابط بین‌الملل، ساخت‌گرایی نظریه‌ای اجتماعی است که ادعا می‌کند جنبه‌های مهم روابط بین‌الملل توسط عوامل عقیدتی (که از لحاظ تاریخی و اجتماعی ساخته شده‌اند) شکل می‌گیرند، نه صرفاً عوامل مادی مرتبط با آن. مهم‌ترین عوامل عقیدتی آن‌هایی هستند که به طور جمعی برگزار می‌شوند. این باورهای هویت بازیگر را می‌سازند. لیبرال‌ها برای جلوگیری از جرم‌زایی قواعدی همچون، گسترش آزادی اندیشه، گسترش آزادی بیان، قانونمندی، بازار آزاد، احترام به حریم خصوصی و... را تجویز می‌کنند که دولت‌ها باید بدان پایبند باشند. در مقابل سوسیالیست‌ها به اصولی همچون؛ برابری با نقش کارگران، لغو مالکیت خصوصی، حذف طبقات اجتماعی، گسترش جرم‌شناسی انتقادی، اولویت منافع جمعی بر فردی و امثالهم پایبند هستند، نتیجتاً باید گفت: اختلافات اندیشه‌ای بر اساس منشأ و ذات است، که به بن‌بست تئوریک تا حدودی منجر شده است. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که در گذار جهان از مدل لیبرال خود و انتقال قدرت از پروسه جهانی شده تا حدودی عدول می‌شود به مدل وستفالیایی صرف نزدیک می‌شویم که در آن مؤلفه‌های حکمرانی دیکتاتوری نوین در حال شکل‌گیری است، در دیکتاتوری نوین فرد محوری دموکراتیک، احزاب به اصطلاح مدنی انحصارگرا، رهبران کاریزماتیک انتخابی، سیاست‌های پوپولیستی شدید حاکم خواهد بود. در این مدل جدید دیکتاتوری نوین که ما به (دیکتاتوری افلاطونی) تعبیر می‌کنیم، زمامداران راهی جز برخورد عقلایی با مردم ندارد، چرا که براساس رویکردهای سوم یعنی نظریه برخورد عقلایی به اثبات رسیده است: این

مراتبی تقریباً در همه کشورها وجود دارد، دموکراتیک یا دیکتاتوری است (Brooks et al., 2013, p 161).

رویکرد انتخاب عقلانی برای تحلیل کنش سیاسی، نیاز به ساختن مدلی از کنشگر فردی و انتخاب‌های آن را به عنوان مبنایی برای بررسی تعاملات چند کنشگر، به عنوان نقطه شروع خود می‌داند. اصول عقلانیت، همگنی و فردگرایی تمرکز دارد (Hindess, 2007, p 256). در نهایت باید گفت در حوزه مسائل حکمرانی سیاسی می‌بایست گفت: انتخاب عقلانی در نوع کمرنگ خود (معقول) باقی می‌ماند، نه به عنوان رویکرد مسلط، بلکه به عنوان یکی از سه رویکرد مساوی و مکمل: رویکرد خردگرایانه، که بر عاملیت فردی متمرکز است. رویکرد فرهنگی که بر هویت‌های جمعی متمرکز است. و رویکرد ساختارگرایانه که بر نهادگرایی تاریخی تأکید دارد (Lohmann, 2016, p 482). نمودار شماره (۶) در توضیح رفتار عقلایی دیکتاتوری مدرن. (منبع نگارنده)

۹- برآیند مقاله حاضر و نتیجه

اینجا ما در پی آن بودیم که مدل‌های رفتاری دولت‌ها را در اندیشه‌های حقوقی و سیاسی در خصوص علل جرم‌زایی آن‌ها براساس جامعه‌شناسی جنایی سازمان‌ها و نهادها مورد بررسی قرار دهیم که دو به سطح تحلیل متعارض لیبرالیسم و سوسیالیسم می‌رسیم؛ جدال و نزاع تئوریک بین لیبرالیسم و سوسیالیسم که از قدیم الایام وجود داشته است نوعی جدل هویتی است که نوعاً نمی‌تواند پایانی بر آن متصور بود. این ما را به مدل

و توسعه اقتصادی، ۱(۴).

[۷] بابایی، محمدعلی، قربانپور، مریم. (۱۳۹۳). ابعاد جرم‌زایی سیاست مسکن.... پژوهش حقوق کیفری، ۳(۹).

ب: منابع لاتین

- [8] Barnett, Michael L. (2018). Gheciu, Alexandra; Wohlforth, William C (eds.). "Constructivism". The Oxford Handbook of International Security. pp. 85–99. doi:10.1093/oxfordhb/9780198777854.013.7. ISBN 978-0-19-877785-4.
- [9] Wendt, Alexander (1999). Social Theory of International Politics. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-46960-9.
- [10] Barnett, Michael; Duvall, Raymond (2005). "Power in International Politics". International Organization. 59 (1):. doi:10.1017/S0020818305050010. ISSN 1531-5088. S2CID 3613655.
- [11] Barry Hindess(2007): Rational choice theory and the analysis of political action: Economy and Society journal. <https://doi.org/10.1080/03085148400000009>
- [12] BBC News: World Edition (2002, August 20). Kim Jong-il Rolls into Russia. Retrieved from <http://news.bbc.co.uk/2/hi/asia-pacific/2204146.stm>
- [13] Christian Wickert(2022):Marxist theory of crime13 ؛ April Availability: <https://soztheo.de/theories-of-crime/conflict-oriented-theories-of-crime/marxist-theory-of-crime/?lang=en>
- [14] Finnemore, Martha; Sikkink, Kathryn (2001). "Taking Stock: The Constructivist Research Program in International Relations and Comparative Politics". Annual Review of Political Science. 4 (1): 391–416. doi:10.1146/annurev.polisci.4.1.391. S2CID 3640392.
- [15] Geoffrey Brennan, Michael Brooks(2013) CHAPTER:Rational Choice Approaches to Leadership:Published. 16 December 2013. Availability: <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199653881.013.027>
- [16] Hopf, Ted (1998). "The Promise of Constructivism in

برخورد عقلایی سیاسی در هریک از کشورهای جهان امری انکار ناپذیر است چرا که؛ این یک واقعیت است که ساختارهای سیاسی سلسله مراتبی تقریباً در همه کشورها وجود دارد، دموکراتیک یا دیکتاتوری است. از این به بعد می‌توان در مقابل بن بست دیگر نظریات نه به عنوان رویکرد مسلط، بلکه به عنوان یکی از سه رویکرد مساوی و مکمل: رویکرد خردگرایانه، که بر عاملیت فردی متمرکز است. توجه بیشتری نشان داد. پس در نتیجه جرم‌شناسی سازمان‌ها و نهادها ما را بدین سمت می‌برد که این گذار سیاسی در روابط و نظام بین‌الملل می‌تواند باعث شود نقش دولت‌ها در جرم‌زایی براساس متغیرهای سابق با اندکی تساهل و تسامح بازسازی شده در نتیجه برخورد عقلایی تر حکام سیاسی (در سایه تجربه جهانی شدن و احترام به افکار عمومی و جامعه مدنی بین‌المللی به عنوان مؤلفه‌های آن) همانند گذشته قابل تجزیه و تحلیل است.

۱۰- فهرست منابع و مأخذ

الف: منابع فارسی

- [۱] ابراهیم پور، حبیب، فتوره چی، زهرا، نعمتی، ولی، و حمزه‌ای، نسرين. (۱۳۹۹). تحلیل نقش تعدیل گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی شدن و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۱۰(۳۶).
- [۲] جاسبی، عبدالله (۱۳۷۶). ارزیابی و نقد نظام‌های اقتصادی (نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم)، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- [۳] صادقی، سالار، فانی، رضا، موثقی، حسن. (۱۳۹۹). واکاوی مبانی جرم‌شناختی مسئولیت کیفری دولت. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۲).
- [۴] موسوی فرد، سیدمحمد رضا، دودانگه، علیرضا. (۱۴۰۰). جستاری روان‌شناختی با تأثیرات جامعه‌شناختی بر رفتارشناسی رهبران دیکتاتور سیاسی با تأکید بر آموزه‌های علوم جنایی. فصلنامه علمی سیاست پژوهی جهان اسلام، ۸(۲۲).
- [۵] یزدانی، عنایت اله، طالعی حور، رهبر، و بهرامی، رستم. (۱۳۹۶). نقش روسیه و چین در گذار نظام بین‌الملل از تک قطبی به چند قطبی. مطالعات سیاسی، ۹(۳۶).
- [۶] سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). پژوهش‌های رشد

- Criminology and Possibility in the Neo-liberal Ethos: Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice. Volume 48 Issue 5, Septembe. DOI: 10.3138/cjccj.48.5.681
- [27] Fearon, James; Wendt, Alexander (2002). "Rationalism v. Constructivism: A Skeptical View". Handbook of International Relations. SAGE. doi:10.4135/9781848608290.n3. ISBN 9780761963059
- [28] GALLIHER(1987): LIFE AND DEATH OF LIBERAL CRIMINOLOGY: Journal Contemporary Crises Volume: 2 Issue: 3 Dated: (JULY 1978): availability: <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/life-and-death-liberal-criminology>
- [29] John Gerard Ruggie (1998). "What Makes the World Hang Together? Neo-utilitarianism and the Social Constructivist Challenge". International Organization. 52 (4):. doi:10.1162/002081898550770.
- [30] Kevin Harrison and Tony Boyd(2018) Understanding political ideas and movements: eISBN: 9781526137951. Publisher: Manchester University Press. [https://www.manchesteropenhive.com/configurable/content/9781526137951\\$002f9781526137951.00014.xml?t:ac=9781526137951%24002f9781526137951.00014.xml](https://www.manchesteropenhive.com/configurable/content/9781526137951$002f9781526137951.00014.xml?t:ac=9781526137951%24002f9781526137951.00014.xml).
- [30] Lawrence E. Blume and David Easley (2008). "[Rationality]". The New Palgrave Dictionary. http://www.dictionaryofeconomics.com/article?id=pde2008_R000277&q=Abstract. by Abstract] & pre-publication copy. Amartya Sen (2008). "Rational Behaviour." The New Palgrave Dictionary of Economics 2. nd Edition. Abstract.
- [31] Loader, Ian(2006): Fall of the 'Platonic Guardians': Liberalism, Criminology and Political Responses to Crime in England and Wales. British Journal of Criminology, Vol. 46, No. 4, Oxford Legal Studies Research Paper No. 41/2006. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=928351>
- [32] Michael Freedman(1986): CHAPTER Liberalism, Socialism, and Labour: Published: February 1986.. accessibility: <https://doi.org/10.1093/0198274327.003.0>
- International Relations Theory". International Security. 23 (1):. doi:10.2307/2539267. ISSN 0162-2889. JSTOR 2539267.
- [17] Khlevniuk, O. B. (2004). The History of the Gulag: From Collectivization to the Great Terror: Yale University Press.
- [18] Locard, H. (2005). State violence in Democratic Kampuchea (1975–1979) and retribution (1979–2004). European Review of History—Revue européenne d'Histoire 12 (1).
- [19] Mark P. Petracca(2009): The Rational Choice Approach to Politics: A Challenge to Democratic Theory: The Review of Politics. Vol. 53, No. 2 (Spring). Cambridge University Press. Accessibility: <https://www.jstor.org/stable/1407756>.
- [20] Susanne Lohmann(2016): Rational Choice and Political Science: The New Palgrave Dictionary of Economics journal. Availability: https://link.springer.com/referenceworkentry/10.1057/978-1-349-95121-5_2341-1
- [21] Thomas Raymen(2022): The Enigma of Social Harm The Problem of Liberalism 1 st Edition. Published November 2. by Routledge. availability: <https://www.routledge.com/The-Enigma-of-Social-Harm-The-Problem-of-Liberalism/Raymen/p/book/9780367565947>
- [22] _____(2022) : The Marxist Perspective on Crime: Availability: <https://revisesociology.com/2016/06/04/marxist-theory-crime>.
- [23] A. James Gregor(2015). Dictatorship. in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition). <https://www.sciencedirect.com/topics/social-sciences/dictatorship>.
- [24] A.J. Gregor(2001). Dictatorship. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. <https://doi.org/10.1016/B0-08-043076-7/01136-0>
- [25] Barry Hindess(2006): Liberalism, socialism and democracy: variations on a governmental theme: Economy and Society journal. Volume 22, Issue 3. accessibility <https://doi.org/10.1080/03085149300000020>
- [26] Bryan Hogeveen and Andrew Woolford(2006): Critical

10.1007/978-1-4614-5690-2_310

- [35] Robert Howard Jackson and Georg Sørensen (2010). Introduction to International Relations: Theories and Approaches 4th Edition. Oxford University Press. ISBN 978-0-19-954884-2. Constructivism was introduced to IR by Nicholas Onuf (1989) who coined the term.
- [36] Wendt, Alexander (1992). "Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics". International Organization. 46 (2): doi:10.1017/S0020818300027764. ISSN 0020-8183. JSTOR 2706858.

006.

- [33] Pollard, S. (2011, December 29). From Fidel Castro to Hugo Chavez: with great power comes truly great paranoia. The Telegraph. Retrieved from or accessibility <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/southamerica/8982974/From-Fidel-Castro-to-Hugo-Chavez-with-great-power-comes-truly-great-paranoia.html>
- [34] Rick A. Matthews & William J. Chambliss (2018): Marxist Criminology: Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice. First Online: 27 November 2018. DOI: